

دلایل عدم شکل‌گیری اتحاد استراتژیک میان ایران و روسیه

علی باقری دولت‌آبادی*

چکیده

طی سال‌های اخیر روابط ایران و روسیه توسعه چشمگیری را تجربه کرده است به نحوی که در برخی تحلیل‌ها از حرکت روابط دو کشور به سمت اتحاد استراتژیک سخن به میان آمده است. سؤال اصلی که این پژوهش به آن می‌پردازد این است که دلیل عدم ارتقای این روابط به سطح اتحاد استراتژیک با وجود توسعه در ابعاد نظامی و امنیتی چیست؟ برای این منظور از روش توصیفی-تحلیلی و نظریه واقع‌گرایی با تکیه بر بحث اتحادها بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که روابط ایران و روسیه بیش‌تر متأثر از نیازهای اقتصادی، نظامی و سیاسی ایران بوده و عزم جدی در طرف مقابل برای ارتقاء این روابط به سطح اتحاد استراتژیک وجود نداشته است. افزون بر این، ایران هیچ‌گاه در اولویت امنیتی سیاست خارجی روسیه قرار نداشته و روابط نهادینه بین دو دولت و ملت که لازمه چنین اتحادی است شکل نگرفته است. برخلاف روند روابط سیاسی دو طرف شکاف بین دو ملت و ایجاد حس بی-اعتمادی در میان ایرانیان نسبت به روس‌ها را دامن زده است. واژه‌های کلیدی: اتحاد استراتژیک، ایران، روسیه، همگرایی، روابط نظامی.

۱. دانشیار روابط بین‌الملل و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج.
abagheri@yu.ac.ir
| تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۲ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۲ |

۱. مقدمه

روابط ایران و روسیه از قدمتی طولانی برخوردار است به گونه‌ای که این روابط را با هیچ یک از روابط ایران با سایر قدرت‌های بزرگ نمی‌توان مقایسه کرد. اگرچه در طول این زمان، این روابط افت‌وخیزهای فراوان داشته، اما هیچ‌گاه به گرمی روابط دوران کنونی نبوده است. در دو دهه اخیر، ایران و روسیه در سطوح مختلف و عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی همکاری‌هایی را در پیش گرفته‌اند. همکاری‌هایی که گاه موجب حیرت مقامات منطقه و غرب شده است. بارزترین آن را می‌توان در اجازه دادن ایران به روس‌ها برای استفاده از فضای هوایی این کشور در سال ۱۳۹۵ برای عبور موشک‌های بالستیک به سوی گروه‌های معارض و تروریستی در سوریه و اجازه دسترسی به پایگاه هوایی نوژه در همدان دانست. امری که اعتراض برخی از نمایندگان مجلس ایران را نیز به همراه داشت. اگرچه این روابط هنوز نتوانسته از محدوده‌هایی مشخص فراتر رود؛ اما می‌توان در مقایسه با روابط گذشته دو کشور و نیز از نظر حوزه‌های امنیتی آن را «روابطی مهم» دانست. در همین راستا، این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این مسأله پاسخ می‌دهد که با توجه به این‌که ایران و روسیه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، نظامی و سیاسی با هم همکاری دارند چرا این روابط تاکنون به سطح اتحاد راهبردی ارتقا پیدا نکرده است؟ بر اساس فرضیه پژوهش، بسترهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیش‌روی دو کشور برای توسعه این روابط هیچگاه فراهم نبوده است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد روابط ایران و روسیه از زوایای گوناگون مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. این آثار را در چهار گروه می‌توان جای داد. دسته اول، آثاری که از بُعد نظری به این روابط توجه کرده و نظریه‌های سازه‌انگاری و ژئوپلتیک را به عنوان نظریه‌های مفید برای تحلیل روابط مسکو و تهران معرفی کرده‌اند. مقاله «رویکرد نظری به علت توسعه روابط ایران و روسیه از زمان فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون» اثر علی باقری دولت‌آبادی (۱۳۹۳) و مقاله «رویکرد روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای ج.ا. ایران از منظر نظریه‌های سازه‌انگاری و ژئوپلتیک» اثر یوسف باقری و محمدرضا صالحی (۱۳۹۶) به ترتیب در این گروه جای می‌گیرند. گروه دوم، آثاری

هستند که روابط دو طرف را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی بررسی کرده و به چالش‌ها و فرصت‌های این روابط پرداخته‌اند. پژوهش مهدی سنایی (۲۰۱۵) و ایوانوف^۱ و دیگران (۲۰۱۴)، اوریل کوهن و جیمز فیلیپس (۲۰۰۱)، جهانگیر کرمی (۱۳۸۹) و علی امیدی (۱۳۹۰)، در زمره این آثار محسوب می‌شوند. از دید این آثار نگاه مشترک ایران و روسیه به اداره نظام بین‌الملل به صورت چندقطبی و مخالفت آن‌ها با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا از جمله مهم‌ترین عوامل نزدیکی روابط دو کشور طی سه دهه اخیر بوده است. دسته سوم، آثاری هستند که نقش بازیگر سومی همچون آمریکا بر روابط مسکو-تهران را مطالعه کرده‌اند. پژوهش سید جلال دهقانی فیروزآبادی و منوچهر مرادی (۱۳۹۴) و محمود شوری (۱۳۸۸)، نمونه‌ای از این آثار هستند که با نوعی بدبینی بازی روسیه با کارت ایران در رقابت این کشور با آمریکا را برجسته کرده و نسبت به آن هشدار داده‌اند. دسته چهارم، آثاری هستند که از بُعد تاریخی و با انتخاب یک موضوع خاص به تحلیل روابط ایران و روسیه پرداخته‌اند. مقالات علی بیگدلی و سهیلا سخندان (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی روابط ایران و روسیه در دوران میرزا آقاخان نوری»، مرتضی دهقان‌نژاد و دیگران (۱۳۹۰) با عنوان «آغاز دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه»، محمدعلی کاظم بیکی (۱۳۹۵) با عنوان «طرح‌های نظامی و راه‌سازی روسیه تزاری در ایران» و حسین آبادیان (۱۳۸۵) با عنوان «انگلستان و روابط ایران و شوروی: ۱۹۲۱-۱۹۱۷» نمونه‌هایی از این آثار هستند. با وجود کثرت این آثار باید گفت در آثار نگاشته‌شده به زبان فارسی و انگلیسی موضوع علل عدم شکل‌گیری اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه به صورت مشخص و مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته و در این خصوص نوعی خلاء علمی احساس می‌گردد. نزدیک‌ترین مقاله به لحاظ شکلی به پژوهش حاضر مقاله «روابط ایران و روسیه، همگرایی یا واگرایی؟» اثر علی اکبر جعفری و وحید ذوالفقاری (۱۳۹۲) است. این مقاله ضمن نداشتن رویکرد نظری برای پژوهش، روابط دو کشور را به شکلی توصیفی و با یک تیتراژ برای کل متن به پایان می‌برد. از نواقص دیگر این مقاله نپرداختن به امکان اتحاد دو کشور چه از نوع تاکتیکی و چه از نوع استراتژیک آن است؛ لذا پژوهش حاضر درصدد برطرف کردن این ضعف می‌باشد.

^۱ . Belobrov I.S Ivanov

۳. چارچوب نظری

برای پاسخ به سؤال اصلی از چارچوب نظری اتحادها در نظریه‌های روابط بین‌الملل استفاده شده است. طبق چارچوب نظری باید گفت فهم رفتار دولت‌ها در شرایط فقدان حاکمیت نظم و اقتدار مرکزی در سطح منطقه و جهان و یا فراهم آوردن یک تئوری مناسب جهت درک بهتر سیاست‌خارجی دولت‌ها یکی از مهم‌ترین دغدغه و اهداف اندیشمندان و تحلیل‌گران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بوده است. واقع‌گرایی که گاه به‌صورت مکتب اندیشه سیاست قدرت از آن یاد می‌شود، برای مدت طولانی به‌عنوان پارادایم حاکم در مطالعه سیاست بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است (Smith, 2009: 167-168). این نظریه از آن‌جا که به خوبی مبانی دوستی و دشمنی کشورها را توضیح می‌دهد پیوسته مورد استفاده قرار گرفته است.

واقع‌گرایان تنها در صورتی به عامل اتحاد توجه می‌کنند که عاملی منافع آن‌ها را به خطر بیندازد. به همین خاطر مورگنتا در تعریف «اتحاد» اشاره می‌کند: «اتحاد شکل ویژه‌ای از همکاری‌های بین‌المللی است که با موافقت‌نامه مکتوب و رسمی میان دو یا چند دولت، برای مدت معینی به قصد پیش‌برد منافع‌شان به ویژه در ارتباط با امنیت ملی ایجاد شده است» (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۳۰۹)؛ در واقع واقع‌گرایان بر عامل تهدیدات به‌عنوان عامل اساسی در شکل‌گیری اتحادها تأکید دارند. در تعریفی مربوط به «اتحاد»، استفان والت، نظریه‌پرداز «موازنه تهدید»، اتحاد را آرایش رسمی یا غیررسمی برای همکاری‌های امنیتی بین دو یا چند دولت مستقل می‌داند (Walt, 1987: 12). به عقیده وی هرگونه ائتلاف و اتحادی نیازمند همکاری‌های منطقه‌ای و همچنین احساس تهدید مشترک است (ibid, 26). او این تهدیدات خارجی را وابسته به چهار متغیر می‌داند: (۱) نزدیکی جغرافیایی؛ (۲) توزیع امکانات؛ (۳) توانایی تهاجمی؛ (۴) درک نیت تجاوز. البته هر تهدیدی منجر به اتحاد در عرصه بین‌المللی نخواهد شد؛ بلکه تهدیداتی که منافع دولت‌ها را به‌طور جدی تحت‌الشعاع قرار می‌دهند در شکل‌گیری اتحاد مؤثر است (مشیرزاده و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۹۸).

در زمینه توانایی‌های تهاجمی نیز باید گفته شود که بین نیت تهاجمی و میزان تهدید، ارتباط کاملاً معناداری وجود دارد، بدین معنا که هرچه مقدار توانایی نظامی یک کشور بیش‌تر باشد، میزان نگرانی و تهدید سایر بازیگران نسبت به کشور موردنظر به همان میزان افزایش می‌یابد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۶۲). بر این اساس انسجام اتحادها نیز

نتیجه کارکرد تهدیدات خارجی است. بر اساس پارامترهای مختلف اتحادها را می‌توان به اشکال مختلف دسته‌بندی کرد: اتحادهای یک‌جانبه، دوجانبه و چندجانبه؛ اتحاد برابر و نابرابر؛ اتحاد تهاجمی و دفاعی؛ اتحادهای رسمی و غیررسمی؛ اتحادهای در راستای حفظ وضع موجود و یا تغییر وضع موجود و اتحادهای تاکتیکی و استراتژیک (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۶۱). اتحادهای تاکتیکی عموماً آن‌هایی هستند که برای دفع خطر فوری که منافع حیاتی دولت‌ها را به چالش کشیده است در پیش گرفته می‌شوند (Ghez, 2011: 6). در این نوع اتحاد نیازی به همدلی و همدردی دو متحد نیست، همین که دو طرف نسبت به یک مسأله مشترک احساس تهدید نمایند برای نزدیک شدن آن‌ها به یکدیگر و انعقاد اتحاد کفایت می‌کند. اتحاد انگلیس و شوروی در مقابل آلمان‌ها در جنگ جهانی دوم مصداق بارز چنین اتحادی به شمار می‌رود. به‌همین خاطر، این شکل اتحاد ممکن است گاه میان دو دولتی اتفاق بیفتد که با هم رقابت نیز دارند. در واقع جنبه کوتاه مدت، قراردادی و مشارکت سازمانی کم‌تر وجه بارزی است که این اتحادها با آن توصیف می‌شوند (Polonsky Et al, 2011: 44). نقطه مقابل این اتحاد، اتحاد استراتژیک است که شکل‌گیری آن نیازمند داشتن اشتراک نظر و توافق درباره مسائل جهانی، ارزش‌های جهان‌شمول، و منافع بلندمدت دو طرف است (Aras & Ozbay, 2008: 54). اتحاد استراتژیک توافق دو یا چند دولت برای تجمیع نیروهای نظامی، سیاسی و اقتصادی است که در آن طرفین تعهد می‌کنند تا به منظور پیشگیری از یک وضعیت تهدیدآمیز از سوی بازیگر سوم، موضع واحد و هماهنگی را اتخاذ نمایند (Czechowska, 2013: 45).

در نظام بین‌الملل اتحادهای استراتژیک عموماً میان یک بازیگر سطح منطقه‌ای و محلی با یک ابرقدرت یا قدرت بزرگ منعقد می‌شود که براساس آن دو طرف متعهد می‌گردند تا در سازمان ملل متحد و مجامع سیاسی بین‌المللی با رأی‌دهی به نفع متحد خود از او حمایت کامل به عمل آورند. در عرصه اقتصادی این اتحادها علاوه بر این که به تأمین منابع خام و بازار برای قدرت بزرگ کمک می‌کنند، بستر کمک‌های مالی، وام و سرمایه‌گذاری در متحد ضعیف‌تر را فراهم می‌سازند. علاوه بر این، دولت قوی‌تر متعهد می‌گردد تا در صورت بروز هرگونه تهدید نظامی علیه دولت ضعیف‌تر از وی حمایت نظامی به عمل آورد. در مقابل متحد ضعیف‌تر اجازه تأسیس پایگاه‌های نظامی،

استفاده از امکانات و تجهیزات خود به طرف مقابل را می‌دهد. نمونه عینی چنین اتحادی را در روابط آمریکا و اسرائیل می‌توان مشاهده کرد (De Garmo, 2016: 34).

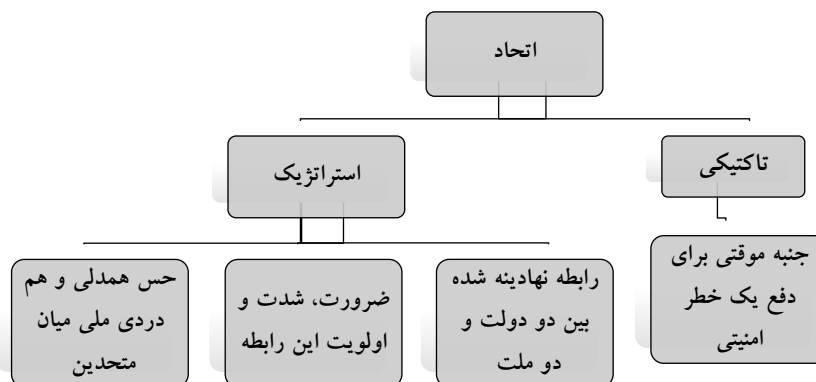
از آن‌جا که این اتحاد بر عکس مورد قبلی شکلی بلندمدت، عمیق و راهبردی دارد، لازم است پیش‌شرط‌هایی برای به وجود آمدن آن بین دو دولت وجود داشته باشد:

الف) درک عمیق نسبت به ضرورت، شدت و اولویت این روابط بین دو طرف. این شرط با سفرهای مکرر مقامات دو طرف، اظهارنظرهای مشترک درخصوص مسائل مختلف، حجم بالای روابط اقتصادی، دسترسی به بازارهای یکدیگر و سرمایه‌گذاری اقتصادی قابل شناسایی است.

ب) وجود رابطه نهادینه شده بین دو دولت و دو ملت به نحوی که همکاری در بخش‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی به سهولت انجام پذیرد و تداوم داشته باشد.

ج) وجود حس همدلی و هم‌دردی ملی میان متحدین که نشان از اعتماد و وفاداری آنها به یکدیگر دارد (Czechowska, 2013: 50). در این راستا برخی از نظریه‌پردازان از جمله باری بوزان و اولی ویور^۱ نقش عوامل غیرمادی نظیر هویت‌های تاریخی، مشابهت‌های ایدئولوژیک و هویتی در تداوم و تکوین مناسبات دوستانه و خصمانه را موثر می‌دانند (Buzan & Waver, 2005:40-89). این نکته از سوی جک لوی و مایکل مایکل بارنت نیز تأیید شده است. وی نقش مشابهت‌های فکری و ایدئولوژیک را در شکل‌گیری پیمان بغداد (۱۹۵۵م) و تأثیر ملاحظات هویتی در بوجود آمدن شورای همکاری خلیج فارس را مهم ارزیابی می‌کند (Levy and Barnett, 1992:19-37). به همین خاطر می‌توان گفت این عوامل به شدت بر میزان حس همدلی و هم‌دردی دو ملت تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب می‌توان چارچوب نظری لازم برای فهم شکل‌گیری رابطه اتحاد بین دو دولت را به شکل زیر ترسیم کرد:

¹ . Ole Waever



شکل ۱: رابطه اتحاد میان دو دولت (محقق)

با توجه به اینکه همکاری‌های نظامی و امنیتی همواره بیش‌ترین نقش را در شکل‌گیری اتحادهای استراتژیک بین کشورها داشته است، ابتدا و به شکلی تفصیلی به این بعد از روابط ایران و روسیه پرداخته می‌شود. بخش دوم مقاله تحلیل دلائل عدم ارتقای روابط به سطح استراتژیک خواهد بود.

۴. سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه

منطقه خاورمیانه همواره در سیاست خارجی روسیه اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک داشته است. این اهمیت زمانی ناشی از رقابت قدرت‌های بزرگ برای افزودن بر سرزمین‌ها و مستعمرات خود بود و زمانی دیگر ناشی از نفت و منابعی که در این منطقه کشف گردید (ر.ک: لنزوسکی، ۱۳۵۳)؛ اما از این دو مورد که بگذریم روس‌ها ورود به ایران را کلید ورود به خاورمیانه می‌دانستند. خاورمیانه‌ای که می‌توانست دریچه‌ای از ثروت هنگفت را به روی آن‌ها بگشاید تا رؤیاهای خود را تبدیل به واقعیت سازند؛ لذا بر سر خاورمیانه رقابتی سخت و نفس‌گیر بین شوروی‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها وجود داشت. رقابتی که از قرن هجدهم شروع گردید و هنوز ادامه دارد. گذر زمان اگر چه برخی خواسته‌های آن‌ها را تعدیل کرد، اما آن‌ها را از بین نبرد. لذا حتی پس از فروپاشی شوروی خاورمیانه در سر لیست برنامه‌های وزرات امور خارجه روسیه باقی ماند. بعد از فروپاشی شوروی سابق، فدراسیون روسیه به عنوان جانشین اتحاد جماهیر شوروی همواره در تلاش بوده تا از کلیه عوامل و اهرم‌های به ارث رسیده از زمان اتحاد شوروی بهره برده و قدرت از دست رفته را لااقل در منطقه

مذکور احیا کند که البته با موانع و چالش‌های فراوانی از جمله سیاست گرایش به غرب برخی از کشورهای منطقه و همچنین توسعه‌طلبی قدرت‌های غربی و بالاخص آمریکا روبه‌رو بوده است (مقدم، ۱۳۸۴: ۱۶۵). مهم‌ترین مشکل روسیه وضعیت اقتصادی نابسامان این کشور است که حتی موجب شده، کرملین تا حد زیادی از خواسته‌های خود در برابر قدرت‌های خارجی از جمله آمریکا صرف نظر نماید؛ اما با رشد فزاینده قیمت انرژی در اواخر دهه گذشته و به موازات آن تغییر در کادر رهبری روسیه، این کشور توانست بر مشکلات خود غلبه کند (دیلمی معزی، ۱۳۸۸: ۸۲) و خود را مهیای ایفای نقشی فعال در تحولات و حوادث خاورمیانه نماید. مسکو برای خود وزنی جهانی قائل شده و تمایل دارد تا به عنوان یکی از قطب‌های قدرت در نظام بین‌الملل وظایفی را در جهان به عهده گیرد. خاورمیانه و موضوعات مختلف معطوف به آن، یکی از مسائلی است که مسکو توجه زیادی به آن کرده است. تردد بالای دیپلماتیک میان مقامات خاورمیانه‌ای به مسکو و بالعکس، به خوبی بیانگر بروز نوعی تحرک و پویایی در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه و متفاوت از دهه‌های گذشته می‌باشد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۳).

روسیه علاقه‌مند است تا از طریق کانال‌های متعدد به حل بحران‌های خاورمیانه کمک کند، اما همه می‌دانند که کرملین قصد دارد از منطقه خاورمیانه و بحران‌ها و مسائل فراوان آن به عنوان عرصه‌ای برای بازسازی نقش و قدرت خود به عنوان یک بازیگر مستقل در جهان استفاده کند و نیز سیاست‌های آمریکا را در خاورمیانه در جهت منافع خود تحت تأثیر قرار دهد (کیانی و خانمحمدی، ۱۳۹۲: ۹۹-۹۸). پیام اصلی دکترین روسیه نسبت به خاورمیانه که به «نگاه به شرق» نیز معروف می‌باشد، مبین این است که چون روسیه یک قدرت جهانی است و منافع خاص خود را دارد، ارزش‌های آن نیز متفاوت از آمریکا و اروپاست، پس نظام بین‌الملل نباید تک‌قطبی باشد. بنابراین برای جلوگیری از نظام تک‌قطبی بین‌الملل تحت هژمونی ایالات متحده و ایجاد یک نظام بین‌المللی چندقطبی و چندجانبه‌گرا، روسیه می‌بایست به قدرت‌هایی چون چین، هند و کشورهایمانند ایران، عراق، عربستان و غیره، نزدیک شود و این امر برای آن کشور ضروری است (مقدم، ۱۳۸۴: ۱۶۹). ظهور ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ به ریاست جمهوری فدراسیون روسیه تحول بزرگی در نگاه روسیه به جهان و جایگاه این کشور بوجود آورد. روی کار آمدن ولادیمیر پوتین که با رشد اقتصادی روسیه، تحت

تأثیر افزایش بهای نفت و گاز همراه شد، علاوه بر سیاست‌های مرکزگرایی دولت که تا حدود زیادی نظم را به این کشور بازگرداند، تصویر متفاوتی را از روسیه تحقیرشده به جهان نشان داد. پوتین پس از سامان دادن به شرایط داخلی، روسیه را به عنوان قدرتی مطرح کرد که به دنبال باز پس گرفتن اعتبار از دست رفته می‌باشد (عطائی و شجاعی، ۱۳۸۹: ۴).

استراتژی کلان سیاست خارجی روسیه در قالب نظریه «قدرت بزرگ مدرن هنجارمند» در دوره زمامداری پوتین ارائه شد. این نظریه بر همگرایی محتاطانه با نظام-بین‌الملل و رابطه برابر با کشورهای توسعه‌یافته در عین حفظ حاکمیت و استقلال به عنوان راهکار انتقال منطقی از دوره گذار و اعاده جایگاه روسیه در نظم جدید استوار است (دیلمی معزی، ۱۳۸۸: ۸۳). دولت روسیه به رهبری پوتین کوشیده است تا با برقراری روابط متوازن و پایدار با تمامی دولت‌ها و بازیگران خاورمیانه‌ای، سیاست خود را در این منطقه، از ایالات متحده جدا نماید. از نظر مقامات کرملین، تنها راه ایمن‌سازی مرزهای جنوبی خود و نیز منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از تحولات خاورمیانه در ابعاد تروریسم، بنیادگرایی دینی، تسلیحات کشتار جمعی و غیره، بهره‌گیری از مکانیسم‌ها و ابزارهای مختلف در نزدیکی به کشورهای واقع در این منطقه می‌باشد (سهرابی، ۱۳۹۳: ۱۲۸). حضور و مشارکت در حل پرونده هسته‌ای ایران، حضور نظامی در بحران سوریه در کنار بشار اسد، همکاری راهبردی با عراق برای مبارزه با تروریسم، همکاری نظامی با عربستان برای برقراری موازنه قدرت در منطقه، همکاری‌های اقتصادی و امنیتی با اسرائیل برای رهایی از تحریم‌های وضع شده آمریکا علیه این کشور و غیره وجوه متفاوتی از این سیاست خارجی هستند. در میان کشورهای خاورمیانه، مسکو گرم‌ترین روابط را با ایران و سوریه دارد. اگرچه بخشی از این مسأله ناشی از سیاست غرب‌ستیزی ایران و گرایش به غرب سایر دولت‌های منطقه است؛ اما در حال حاضر ایران و سوریه ستون‌های اصلی پیگیری سیاست خارجی روسیه در منطقه محسوب می‌شوند. این جایگاه باعث گردیده تا مسکو حساب ویژه‌ای برای روابط خود با تهران بازکند و در ایران نیز امید دست‌یابی به اتحاد استراتژیک با مسکو قوت بگیرد. برای فهم بهتر چگونگی سیر رفتار مقامات ایران به سمت اتحاد استراتژیک، بررسی سوابق تاریخی روابط دو کشور مفید و سازنده خواهد بود.

۵. پیشینه تاریخی روابط ایران و روسیه

تاریخ روابط ایران و روسیه، قدمتی چهارصد ساله دارد و شکل‌گیری روابط میان آن‌ها، به زمان تشکیل دولت‌های ملی در دو کشور بازمی‌گردد. به عبارت دیگر، اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم را می‌توان سرآغاز تشکیل دولت‌های ملی در ایران و روسیه به حساب آورد (گروسه، ۱۳۵۳: ۵۶۶). بعد از تشکیل دو دولت دوره‌ای پر فراز و نشیب از جنگ و صلح میان دو طرف شکل می‌گیرد که در آن رد پای بازیگران ثالث همچون عثمانی و بعد انگلیس و فرانسه نیز دیده می‌شود. در طول قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم، روسیه با تمام امکانات خود تلاش می‌کرد با حفظ برتری اقتصادی، نفوذ سیاسی خود را نیز در ایران گسترش دهد تا به قلب تجارت و ثروت عظیم خلیج فارس و اقیانوس هند دست‌یابد. سلسله جنگ‌های ایران و روسیه در قرن نوزدهم که منجر به تحمیل عهدنامه‌های گلستان، ترکمانچای و آخال به ایران شد، بزرگ‌ترین ضربه نظامی، اقتصادی و سیاسی را در قرن نوزدهم بر استقلال ایران وارد کرد (تزنزیو، ۱۳۵۹: ۱۸۲). در جریان مشروطه نیز روس‌ها با حمایت از محمدعلی‌شاه باعث استبداد صغیر گشتند و پس از آن برای ایجاد ترس و وحشت در دل مشروطه‌خواهان و پایان دادن به این نهضت به سرکوب مردم تهران، تبریز و مشهد و شکستن تقدس بارگاه امام رضا (ع) پرداختند (احمدی و خوشبین، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۷). اقداماتی که هیچگاه از حافظه تاریخی ایرانیان حذف نشده و نخواهد شد. به دنبال جنگ جهانی اول و سپس پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و سرانجام خروج این کشور از جنگ، تحولات عمیقی در روابط ایران و روسیه صورت گرفت. می‌توان گفت اگر روسیه تزاری در جنگ فاتح می‌شد، مطمئناً استقلال ایران را به شدت مورد تهدید قرار می‌داد. با این حال روس‌ها از فضای بعد از جنگ جهانی اول نیز به نفع خود بهره‌جسته و با امضای قرارداد مودت در سال ۱۹۲۱ عملاً الحاق تمامی سرزمین‌های قفقاز، خوارزم و در اختیار گرفتن بخشی از حاکمیت ایران بر دریای خزر توسط خود را رسمیت بخشیدند. در جریان جنگ جهانی دوم نیز روس‌ها با خودداری از تخلیه ایران و حمایت از خودمختاری آذربایجان و کردستان قصد داشتند آخرین ضربه را به تمامیت ارضی ایران وارد نمایند که ناکام ماندند.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی به یکی از دو قطب اصلی قدرت در جهان تبدیل شد. در این مقطع زمانی، ویژگی‌های ایران از قبیل موقعیت جغرافیایی،

منابع معدنی و مسائل اقتصادی و سیاسی برای شوروی حائز اهمیت بود. عامل جغرافیایی، از عوامل ثابتی بود که سیاست‌هایی را بر استراتژی منطقه‌ای اتحاد جماهیر شوروی تحمیل می‌کرد. در واقع این کشور به خاطر دسترسی نداشتن به آب‌های گرم، محدودیت‌ها و تنگناهایی را تحمل می‌کرد که سیاست خارجی آن را تحت تأثیر قرار می‌داد. خلیج فارس و اقیانوس هند، به‌منظور برقراری رابطه میان نیروهای برّی و بحری، از حیث ژئوپلتیک مورد علاقه شوروی بودند. گرچه روس‌ها در قرن نوزدهم مرزهای خود را گسترش داده بودند، اما با وجود کشورهای چینی، ایران و پاکستان، معضل استراتژیک دسترسی نداشتن به آب‌های گرم همچنان به قوت خود باقی مانده بود. پس از انقلاب اکتبر، رهبران شوروی تلاش کردند در مواردی این مشکل را مرتفع سازند و از دید برخی سیاستمداران، اصرار شوروی بر ادامه اشغال آذربایجان، در واقع در این راستا صورت گرفت (اطاعت، ۱۳۷۶: ۹۷).

طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م، دولت ایران به دلیل وابستگی به غرب، به پیشنهادهای شوروی مبنی بر گسترش روابط سیاسی و نظامی، به‌گونه‌ای محتاطانه جواب رد می‌داد؛ اما در زمینه‌های اقتصادی و حتی بازرگانی، روابط دو کشور رو به گسترش بود. نقطه اوج روابط ایران و روسیه در قرارداد سال ۱۹۶۶م درخصوص ذوب‌آهن اصفهان شکل گرفت. پس از این قرارداد روس‌ها حضور فعالی در ایران پیدا کردند. در سال ۱۹۷۰م شاه پذیرفت که به اتحاد شوروی گاز بفروشد و خطوط لوله وان^۱ و تو^۲ از جنوب به سمت آستارا و از آن جا به اتحاد شوروی کشیده شد و شاه حتی در خریدهای نظامی نگاهی به شوروی داشت و دست به خرید اقلام نظامی که بلوک شرق در آن پیشرفته‌تر بودند زد (ملکی، ۱۳۷۹: ۳).

به واسطه همین امتیازات اقتصادی و بازرگانی که رژیم شاه به شوروی اعطا کرد، دولت شوروی در قبال سیاست‌های محمدرضا شاه نسبت به مسائل خلیج فارس و جهان غرب بردباری بیش‌تری نشان داد و علت آن‌که در موضع مسکو نسبت به رژیم شاه در هنگام وقوع انقلاب اسلامی تغییر صریح صورت نگرفت نیز در واقع از این ناحیه قابل تفسیر است. در کل می‌توان گفت روابط ایران و روسیه تا پیش از انقلاب اسلامی و به طور خاص دهه ۹۰ مبتنی بر تهدید و ترس بود و هیچگاه به گرمی امروز نگردید.

1 . one
2 . two

۶. روابط ایران و روسیه بعد از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همکاری‌های نظامی-امنیتی دو کشور توسعه بیشتری پیدا کرد. وقوع جنگ تحمیلی در ایران و خرید اسلحه ایران از شوروی، نگاه نزدیک و مشترک به مسائل منطقه‌ای-امنیتی، مقابله با نفوذ غرب در سطح منطقه، مطرح شدن مسائل تروریسم، مطرح شدن مسأله هسته‌ای ایران و غیره از جمله اقداماتی بود که بستر را برای نزدیکی طرفین به همدیگر فراهم کرد. در ادامه به بررسی همکاری‌های دو طرف در بخش نظامی و امنیتی که مهم‌ترین عامل سوق‌دهنده کشورها به سمت اتحاد استراتژیک است خواهیم پرداخت.

۱-۶. خریدهای نظامی ایران از روسیه

همکاری نظامی میان دو کشور در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را می‌توان در دو دوره متمایز دوره جنگ هشت‌ساله و دوره زمانی پس از آن بررسی نمود:

الف) اتحاد شوروی از نخستین دولت‌هایی بود که پیروزی انقلاب اسلامی را به رسمیت شناخت و اعلام آمادگی خود را برای پر کردن خلأ در بازار اسلحه ایران اعلام کرد. به دنبال وقوع جنگ تحمیلی میان ایران و عراق، در روزهای آغازین جنگ، شوروی سیاست صبر و انتظار را پیگیری نمود، لیکن پس از مشاهده پیروزی ایران، بر کمک‌های تسلیحاتی-امنیتی و نظامی خود با دولت عراق افزود؛ به طوری که حجم مالی این تجهیزات نظامی به یک و نیم میلیارد دلاری رسید (اردستانی، ۱۳۸۲: ۱۲۶). این مسأله موجب گشت تا در دهه ۶۰ همکاری نظامی-امنیتی ایران و روسیه حرکت رو به جلویی نداشته باشد.

ب) مقارن با حوادثی چون خروج ایران از پیمان سنتو و ناتو و همچنین پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران و خروج شوروی از افغانستان، روابط نظامی-امنیتی ایران و روسیه وارد مراحل جدیدی گردید. در ایران اتخاذ سیاست تنش‌زدایی دولت وقت تغییر و تحولاتی در حوزه سیاست داخلی و خارجی ایران ایجاد کرد که بر روابط ایران و روسیه نیز تأثیر گذاشت. مبنا قرارگرفتن واقع‌گرایی در تصمیمات، توجه به اصل حُسن هم‌جواری، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور دیگران از جمله اصولی بود که در سیاست‌های کلان ایران برای تعامل و ارتباط با کشورهای منطقه به‌خصوص روسیه دیده شد. ایران از صدور انقلاب خود به دولت‌های آسیای میانه و

قفقاز که حیاط خلوت روسیه بعد از فروپاشی تلقی می‌شدند چشم پوشید و به موضوعات چالش‌برانگیز همچون مسلمانان چچن و داغستان ورود پیدا نکرد. از سوی دیگر تغییرات ساختاری در قدرت روسیه و اتخاذ سیاست آسیاگرایی و نگاه بیشتر به شرق در مقابل آتلانتیک‌گرایی از سوی پوتین نقش مثبتی در توسعه روابط فی مابین ایفا کرد (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۱۴۸-۱۴۲). همین امر باعث گردید که روابط میان دو کشور متحول گردد و روابط تیره دو کشور رو به بهبودی رود. بدین ترتیب روابط جدید ایران و روسیه از پایان جنگ تحمیلی در سال (۱۹۸۸/۱۳۶۷) با سفر هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت به مسکو در سال (۱۹۸۸/۱۳۶۸) و امضای قرارداد ۱۰ میلیاردی همکاری اقتصادی، فنی و نظامی در سال ۱۹۸۹ با هدف تحویل تعدادی جنگنده میگ-۴۹، سیستم پرتاب موشک ولگا و وگا و همچنین هواپیماهای جنگی مدرن سوخو-۲۴ و دو مجموعه موشکی زمین به هوای اس ۲۰۰ به ایران وارد دوره تازه‌ای شد (ایوانویچ، ۱۳۷۵: ۶۹-۶۱).

تداوم این سیاست در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی به گشایش بیش‌تر روابط نظامی-امنیتی منجر گردید. در این دوره با تبادل هیأت‌های نمایندگی و سفر رسمی رئیس‌جمهور ایران محمد خاتمی در سال ۲۰۰۱ م به روسیه، توافق دوجانبه‌ای در مورد همکاری نظامی-فنی امضا شد که منجر به قرارداد چند میلیارد دلاری گردید، لیکن بر اثر فشارهای آمریکا ۱۵۰ میلیون دلار از آن هزینه مربوط به خرید بالگرد، سفارش خرید اس ۳۰۰ و وسایل نقلیه زرهی، به حالت تعلیق درآمد. چند سال بعد قرارداد ۹۰۰ میلیون دلاری برای سیستم‌های دفاع هوایی میان دو کشور منعقد شد. در طول این سال‌ها مقامات آمریکا پیوسته از فروش پنهانی تسلیحات روسی به ایران و همکاری‌های موشکی دو کشور انتقاد می‌کردند. سازمان سیا در گزارشات خود مدعی - بود روس‌ها درحال کمک به ایران برای تکمیل پروژه موشک شهاب ۳ هستند که می‌توانست با برد ۱۳۰۰ کیلومتر خاک کشورهای متحد آمریکا همچون ترکیه، عربستان، اسرائیل و مصر را هدف قرار دهد (Freedman, 2006:4). در اکتبر ۲۰۰۵ اولین ماهواره ایرانی سینا-۱ ساخته شد. ماهواره‌ای که با مشارکت روس‌ها از مرکز فضایی پلستسک^۱ در شمال شرقی روسیه به آسمان پرتاب شد (Kassianov, 2006: 1). به دنبال آن سفارش‌های دیگری برای ساخت ماهواره زهره به ارزش ۱۳۲ میلیون دلار توسط ایران

^۱ . Plesetsk

داده شد و قرارداد همکاری مابین دو کشور امضا شد (Sanaei, 2007:174) در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۷ صادرات تجهیزات نظامی روسیه به ایران به حجم ۱/۲ میلیارد دلار رسید که شامل ۲۹ سیستم موشکی تور ام-۱ و سه فروند هواپیمای سوخو ۲۵ بود. به علاوه روسیه مهندسانی را برای تعمیر دیزل الکترونیک، زیردریایی ای.کی.ام ۸۷۷ و نوسازی هواپیماهای مدل سوخو ۲۵^۱ به ایران گسیل کرد. همچنین مسکو با ارتقاء سیستم زمین به هوای موشکی ایران با تجهیز کردن آن با موشک هدایت‌شونده موافقت کرد.

این روابط حسنه در سال ۲۰۰۷ زمانی به اوج خود رسید که پوتین به تهران سفر کرد و قراردادی برای صادرات ۵ مجموعه موشکی اس ۳۰۰ میان دو کشور به امضا رسید. سامانه اس ۳۰۰ یک سامانه موشکی زمین به هوای دوربرد و خودکشی با قابلیت استفاده در تمام ارتفاع‌ها است که در اواخر دهه ۱۹۷۰ با همکاری شرکت‌های صنعتی آلمان برای کمک به نیروی دفاعی هوایی شوروی ساخته شد. اولین مدل این موشک به نام اس ۳۰۰ پی، نخستین بار در سال ۱۹۷۹ در شوروی عملیاتی شد (تابناک، ۱۳۹۲: ۱). این موشک در ابتدا برای رهگیری هواپیماهای کروز ساخته شد؛ ولی پس از مدتی توانایی رهگیری موشک‌های بالستیک نیز به آن افزوده گردید. این سامانه توانایی پیگیری همزمان ۱۰۰ هدف و درگیری همزمان ۱۲ هدف را دارد. زمان آماده‌سازی اس ۳۰۰ پنج دقیقه و موشک‌های آن قابلیت انبارشونده دارد (همشهری، ۱۳۹۲: ۲). ایران در سال‌های گذشته انواع تانک، خودرو زرهی، موشک و تجهیزات نظامی را از روسیه خریداری کرده است به نحوی که اکنون پس از هند و چین سومین خریدار بزرگ تسلیحات روسی است (Voronova-Abrams, 2010:3).

ایران برای دستیابی هرچه بیشتر به امنیت و صلح داخلی و منطقه‌ای خود و نیز کسب بازدارندگی منطقه‌ای سعی در اختیار داشتن سلاح‌ها و موشک‌هایی با توان بالا از جمله اس-۴۰۰ دارد. از این رو سعی کرده است با دولت روسیه و چین برای دستیابی به این سلاح‌ها قراردادهایی منعقد کند. با این حال با مخالفت‌های شدید آمریکا، وضع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و نیز بهبود روابط آمریکا با روسیه در سال ۲۰۰۹م تقریباً تمام معاملات تسلیحاتی روسیه با ایران به حالت تعلیق درآمد و این وضعیت تا پایان سال ۲۰۱۱ که تنش‌های مسکو با واشنگتن بر سر مسائل موشکی و دفاعی خاورمیانه تشدید شد ادامه یافت (Kozhanov, 2012:8). دست‌یابی به توافق -

^۱ . SU-25MK

هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۵+۱ در سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) یک‌بار دیگر امیدها نسبت به گرم‌تر شدن روابط ایران و روسیه را بیشتر ساخته است. این امیدواری با سفر پوتین به تهران در سال ۱۳۹۴ (نوامبر ۲۰۱۵) قوت بیش‌تری گرفته است. نشانه بارز این امر را در تحویل سیستم دفاع ضد موشکی اس-۳۰۰ در سال ۱۳۹۵ به ایران می‌توان جستجو کرد، سامانه‌ای که عدم تحویل به موقع آن ایران را تا مرحله شکایت حقوقی علیه کرملین پیش برد. اما با تحویل این سامانه دفاع موشکی نه تنها دو طرف فصل جدیدی را در روابط خود گشودند؛ بلکه به مرحله‌ای پای‌نهادند که تصور آن حتی برای بسیاری در داخل ایران غیرممکن بود. در شهریور ماه ۱۳۹۵ ایران برای اولین بار به این کشور اجازه استفاده از پایگاه نظامی همدان برای بمباران مواضع داعش در خاک سوریه را داد. موضوعی که در داخل مجلس ایران جنجال‌برانگیز شد و برخی نمایندگان آن را خلاف قانون اساسی مبنی بر واگذاری پایگاه نظامی به سایر دولت‌ها دانستند. اگرچه افشای استفاده از پایگاه هوایی ایران از سوی روس‌ها اعتراض و ناخشنودی وزیر دفاع ایران را به همراه داشت و از آن تعبیر به «خودنمایی و بدعهدی» نمود؛ اما مانع تداوم همکاری‌ها نگشت. به گونه‌ای که می‌توان اکنون مدعی همکاری بسیار نزدیک دو طرف در حملات نظامی علیه مخالفین بشار اسد در سوریه شد. این همکاری‌ها حاصل توافقاتی است که دو طرف از سال ۱۳۹۴ به بعد با یکدیگر داشته‌اند. دیدار وزیر دفاع روسیه، ارتشبد سرگئی شویگو، از ایران و قدردانی از رویکرد رئیس‌جمهور ایران در توسعه روابط با روسیه نمونه بارز این مسأله است. او در سفر خود به تهران گسترش و تعمیق روابط دفاعی و فنی با ایران را عامل بسیار مهمی در تأمین امنیت و ثبات منطقه‌ای و جهانی دانست و با ابراز نگرانی از بروز بحران‌های امنیتی در یمن، سوریه، لیبی و اوکراین اظهار داشت ایران و روسیه دارای چالش‌ها و تهدیدات مشترکی چون آمریکا هستند (فارسی‌رو، ۲۰۱۵). طی سال‌های اخیر بحث دست‌یابی ایران به تسلیحات وارد مراحل تازه‌ای گردیده است، به طوری‌که در طی مذاکرات میان وزرای دفاع روسیه و ایران، روس‌ها برای در اختیار قرار دادن تسلیحات جدید از جمله سیستم دفاع ضد موشکی اس-۴۰۰ ابراز آمادگی کرده‌اند. همچنین قرار شده است روسیه وامی ۵ میلیارد دلاری با سود ۲ درصد در اختیار ایران قرار دهد.

یکی از حوزه‌های دیگر اشتراک نظر ایران و روسیه، بحث مقابله با گسترش ناتو به شرق است. طرح گسترش حوزه فعالیت ناتو در خارج از مرزهای ۱۶ عضو اصلی در اروپای غربی در پایان نخستین نشست اعضای این پیمان پس از تحولات بلوک شرق طبق بیانیه‌ای در سال ۱۹۹۱ منتشر گردید. این طرح مبین آن است که پس از آزادی بلوک شرق، به‌ویژه کشورهای اروپای شرقی، اروپا به عرصه جدیدی وارد شده است که ناتو در ظهور آن نقش اساسی داشته است، بنابراین ناتو باید دست دوستی به‌طرف کشورهایی که زمانی دشمن ناتو محسوب می‌شدند، دراز کند. به این ترتیب طرح گسترش ناتو در اجلاس ماه ژوئن ۱۹۹۰ بررسی و در نشست ماه نوامبر ۱۹۹۱ سران در رم به تصویب رسید (شفیعی و محمودی، ۱۳۸۶: ۱۲۵-۱۲۴).

بی‌گمان گسترش جغرافیایی و نفوذ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به شرق و درگیری کشورهایی که پیش از این عضو اتحاد جماهیر شوروی و پیمان ورشو بودند، مهم‌ترین چالش سیاست خارجی روسیه پس از جنگ سرد بوده است. از جمله عوامل نگرانی روسیه از گسترش ناتو به سمت مرزهای این کشور می‌توان به مواردی همچون تشدید عارضه احساس ناامنی روس‌ها از محیط ژئوپلیتیکی خود، به خطر افتادن منافع روسیه در منطقه و حوزه‌های نفوذ سنتی خود و نیز انقطاع جغرافیایی بیشتر آن‌ها از اروپا و تبدیل شدن به قدرتی آسیایی اشاره کرد. اهمیت این مسأله از آن روست که با تحقق کامل این امر روسیه ممکن است جایگاه سنتی خود را در مقام قدرتی جهانی از دست بدهد و با به عضویت درآمدن دولت‌های اروپای شرقی در ناتو، دیگر عضوی از جامعه اروپا به شمار نیاید و به تدریج شاهد کاهش نفوذ خود میان اقمار سابقش باشد (میرفخرائی، ۱۳۹۲: ۱۳) در همین راستا بر پایه رهیافت رئالیسم، از یک طرف روسیه خواهان نوعی نظام امنیتی اروپایی است تا با تکیه بر آن، این کشور بتواند در فرایند تصمیم‌گیری در رابطه با مدیریت بحران‌ها و چالش‌های منطقه‌ای مشارکت و حضوری فعال داشته باشد؛ از سوی دیگر روسیه خواهان کاهش حضور و نفوذ آمریکا در سطح منطقه و به طور کلی ادغام ناتو در راستای تأمین اهداف آمریکاست. بر این اساس، از منظر رئالیسم، تقابل دو دیدگاه روسی و آمریکایی درخصوص نظام امنیت آتلانتیکی مانع از ادغام کامل روسیه در پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) شده و لذا این کشور قویاً در مقابل گسترش این سازمان به مرزهای ملی خود خواهد ایستاد. اگرچه همکاری روسیه با آمریکا پس از ۱۱

سپتامبر ۲۰۰۱ در چارچوب مبارزه علیه تروریسم و واگذاری پایگاه‌های نظامی خود در آسیای مرکزی به این کشور سبب شد تا بار دیگر انسداد حاکم بر روابط روسیه - ناتو از میان رفته و با برگزاری نشست رم در ۲۰۰۲، چارچوب نهادی جدیدی تحت عنوان شورای ناتو - روسیه در امور امنیتی اروپای شرقی ایجاد شود؛ اما عضویت روسیه در ساختارهایی همچون «شورای ناتو- روسیه»، اقدامی بازدارنده در جهت جلوگیری از گسترش ناتو به درون جهت‌گیری سیاست‌خارجی روسیه است (کیانی، ۱۳۸۶: ۴۴-۳۶). همچنین سران دولت روسیه در اجلاس سازمان امنیت و همکاری اروپا در لیسبون تلاش نمودند که این سازمان را به‌عنوان الترناتیوی در برابر ناتو که امنیت سیاسی را در اروپا تأمین خواهد نمود طرح نمایند (مزارعی، ۱۳۸۰: ۱۴۸). در طرف دیگر بحث گسترش به شرق ناتو، ایران قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران در کنار روسیه از جمله کشورهایی است که منافع و امنیت ملی آن با گسترش ناتو در دهه جاری مورد تهدید قرار گرفته است. البته باید این نکته را ذکر کرد که اگرچه منافع هر دو کشور ایران و روسیه به دلیل گسترش حوزه ناتو در قفقاز مورد تهدید واقع شده؛ اما راهبردهای امنیتی و چشم‌اندازهای این دو کشور متفاوت است و هرکدام بر اساس چشم‌انداز استراتژیک خود به اقدامات راهبردی متفاوتی دست زده‌اند. این در شرایطی است که با عضویت ترکیه در ناتو که در همه عملیات‌های ناتو، از جمله حملات متعدد آمریکا به افغانستان، سوریه، ایجاد مناطق پرواز ممنوع در شمال و جنوب عراق و حملات ناتو علیه یوگسلاوی مشارکت داشته و پایگاه‌های خود را به‌طور کامل در اختیار هم‌پیمانانش قرارداد و نیز توسعه ناتو با کشورهای مشترک‌المنافع در شمال ایران، این تهدیدها در مرزهای ایران بیش‌تر شده است. به‌علاوه حضور ناتو و اسرائیل در آذربایجان و زمزمه‌های تأسیس پایگاه در این کشور نگرانی‌های ایران را افزایش داده است. بر این اساس ایران سعی کرده با همکاری و کمک‌های اقتصادی به این کشورها نفوذ خود را در این مناطق به‌خصوص آذربایجان و گرجستان افزایش دهد. در کنار این موارد با عقد قرارداد گازی با ترکمنستان و حمایت‌های مختلف از این کشور سعی کرده تا نگذارد ناتو از ترکمنستان به‌عنوان پایگاهی علیه ایران استفاده کند. در رابطه با ارمنستان نیز توانسته نفوذ فراوانی کسب کند (منوری، ۱۳۹۲: ۷۷-۷۵). در ضمن باید توجه داشت توسعه گسترش نفوذ ناتو در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس که دارای موقعیت راهبردی، ارزش عظیم اقتصادی و سیاسی است، می‌تواند برای امنیت

جمهوری اسلامی ایران خطرناک باشد. محاصره شدن ایران در دور تا دور مرزهای این کشور و همکاری کشورهای عربی با ناتو، موضع‌گیری‌های افراطی اسرائیل نسبت به جمهوری اسلامی ایران و احتمال ورود به معادلات منطقه به عنوان نقطه بحران در منطقه، همچنین موضع‌گیری‌های ضد ایرانی توسط کشورهای عربی، روند امنیت برای ایران را بیش از پیش سخت و پیچیده کرده است. طبیعی است که ایران با توجه به چنین موقعیتی باید طرح امنیتی را داشته باشد.

از آن‌جا که موضوع پیوستن ایران به ناتو با توجه به اصول قانون اساسی و سیاست خارجی ایران بعید به نظر می‌رسد، ایران باید دامنه همکاری‌های منطقه‌ای خود را در زمینه‌ی امنیت توسعه داده و حتی با ایجاد تعاملات اقتصادی کانون‌های بحران را مدیریت کند (عسگرخانی و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۰). نزدیکی به روسیه در همین چارچوب قابل فهم است. در حال حاضر دو کشور استقرار مجدد تانک‌ها و سربازان آمریکایی در لتونی، استونی، لیتوانی و لهستان و طرح‌های نظامی برای آموزش آن‌ها از آغاز سال ۲۰۱۷ را در راستای برنامه‌های نظامی ناتو ارزیابی کرده و نسبت به تهدید ناشی از آن درکی نسبتاً مشترک دارند.

۳-۶. مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی

یکی از مؤلفه‌هایی که از لحاظ امنیتی برای ایران و روسیه کلیدی و زیربنایی محسوب می‌شود مقابله با گروه‌های تروریستی و رادیکال در سطح منطقه و به‌طور کلی جهان است. این رابطه باعث گردیده که در موارد متعدد، همکاری‌های امنیتی طرفین را در خصوص مبارزه با گروه‌های تروریستی، طالبان، القاعده، جیش العدل، و داعش شاهد باشیم. روسیه و ایران از جمله کشورهای هستند که احیا و استمرار این گروه‌ها از لحاظ هویتی و امنیتی بیش‌ترین خطر را برای آن‌ها دارد؛ از این‌رو در یک تعامل و همکاری گسترده برای مقابله با آن‌ها متحد شده‌اند. تلقی روسیه از این گروه‌ها این است که توسط غرب ایجاد شده‌اند تا موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک منطقه را به ضرر روسیه تغییر دهند و با ایجاد مشکلات مرزی و بی‌ثباتی و ناامنی خاورمیانه بازاری برای فروش تسلیحات نظامی در همه ابعاد برای خود فراهم کنند. رشد این گروه‌های افراطی در میان جمعیت مسلمان خاورمیانه برای روسیه که میزبان بیش از بیست میلیون مسلمان در نوار جنوبی خود خصوصاً در بخش قفقاز شمالی است همواره توأم با نگرانی بوده است. مشکلات قومی و مذهبی و افزایش نرخ زاد و ولد مسلمانان در روسیه به‌موازات

کاهش جمعیت اسلامی- ارتدکسی روسیه این نگرانی را تشدید نموده است. به علاوه دو بار جنگ و درگیری روسیه با جدایی طلبان چچنی در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۹، موجب رادیکالیزه شدن بخشی از جمعیت مسلمانان و گسترش اسلام سلفی در این کشور شده است. بحران چچن باعث شد بسیاری از گروه‌های افراط‌گرایی مذهبی، در سرزمین روسیه رخنه نموده و در کنار مبارزان چچنی به انجام فعالیت‌های جدایی طلبی و تحریک نواحی مسلمان‌نشین به جدایی از روسیه مبادرت ورزند. لذا با توجه به نزدیکی جغرافیایی با خاورمیانه در مورد گسترش تنش‌ها و بحران‌های منطقه به خارج نزدیک و حتی جغرافیای روسیه، مسکو نگرانی جدی دارد (خاوری‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۹). مشابه این نگرانی‌ها بارها از زبان مقامات جمهوری اسلامی در خصوص گسترش جریان‌های افراطی و تروریستی ابراز شده است. جمهوری اسلامی نیز منشاء شکل-گیری گروه‌های تروریستی و ضد شیعی را غرب دانسته و آن را عاملی برای ضربه زدن به ایران و منافع منطقه‌ای‌اش می‌داند. به همین خاطر همکاری نزدیکی بین ایران و روسیه در حال حاضر در سوریه بوجود آمده است. علی شمخانی دبیر عالی شورای عالی امنیت ملی ایران در این باره اظهار می‌دارد «همکاری نزدیک، تأثیرگذار و رو به گسترش سه کشور و جریان مقاومت اصلی‌ترین عامل شکست و انهدام قابل توجه شبکه تروریسم در منطقه است و جامعه بین‌الملل باید با شناخت این واقعیت ضمن همراهی و پشتیبانی از تلاش پرهزینه ایران، سوریه و روسیه همه ظرفیت‌های خود را برای تنبیه و محدودسازی کشورهای که با پشتیبانی‌های آشکار و پنهان به ارتقای توان تروریسم تکفیری کمک می‌نمایند بسیج کند» (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵/۳/۲۱). برگزاری اجلاس سه‌جانبه وزرای دفاع ایران، روسیه و سوریه در پاییز ۹۵ نشان‌دهنده اراده خلل‌ناپذیر سه کشور برای مقابله همه‌جانبه با تروریسم تکفیری و حامیان آنان و تداوم حمایت از دولت قانونی و مردم سوریه برای ایجاد ثبات و امنیت در این کشور است. همچنین استقرار چند فروند هواپیمای جنگنده روسی در پایگاه هوایی نوزه همدان، و تشکیل قرارگاه مشترک ضد تروریسم در سوریه از سوی دو کشور را می‌توان نماد همکاری مشترک و بر اساس توافق در راستای مبارزه با گروه تروریستی داعش و سایر گروه‌های تروریستی در منطقه دانست.

۶-۴. مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در منطقه (عراق، افغانستان، سوریه و...)

ایران و روسیه، آمریکا را دشمن اصلی خود می‌دانند. این دشمنی برای هر دو طرف کاملاً محسوس بوده و هست. هر دو تحت رژیم تحریم‌های آمریکا قرار دارند. هر دو از خطر گسترش ناتو به شرق سخن می‌گویند. هر دو انقلاب‌های رنگین را طرحی برای سرنگونی دولت‌های متحد و نزدیک به خود تلقی می‌کنند. از نظر هر دو بهار عربی صرفاً دستاویزی برای تغییر رژیم‌های سیاسی منطقه با تصور زدودن تهدیدات ضد اسرائیلی است. این دیدگاه واحد در خصوص وجود دشمن مشترک سبب می‌شود که دو کشور به سوی ایجاد اتحاد حرکت کرده تا از این راه بر معضل امنیتی خود فائق آیند (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۳: ۴۵). مواضع نزدیک به یکدیگر مسکو و تهران در قبال حمله آمریکا به افغانستان، عراق و حمایت از دولت سوریه در برابر معارضین نمونه بارز این مسأله است. در همین راستا مقامات دو طرف بارها در مورد اتحاد یا همکاری استراتژیک تهران-مسکو به همراه پکن و دهلی سخن گفته‌اند (متقی، ۱۳۸۵: ۱۱۷-۱۲۵).

قدرت‌های بزرگی مانند چین و خصوصاً روسیه از نمونه‌های قبلی (جنگ ناتو علیه لیبی) درس گرفته و این بار در سوریه به هیچ‌وجه حاضر به عقب‌نشینی از موضع حمایتی خود نشده و به تدریج حتی پشتیبانی خود را محکم‌تر و علنی‌تر نموده‌اند. وتوی ۶ قطعنامه ضد حکومت سوریه در شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط روسیه و چین و جلوگیری از کسب مجوز مداخله نظامی حتی به شکل محدود از دریچه سیستم امنیت دسته‌جمعی ملل متحد؛ پشتیبانی تسلیحاتی-اطلاعاتی از سوریه خصوصاً از سوی روسیه حتی در اوج بحران و آماده نشان دادن غرب برای حمله نظامی به سوریه، فشار جدی بر قدرت‌های غربی برای عدم مداخله نظامی در سوریه، حمایت رسانه‌ای گسترده از دولت سوریه در مقابل تهدیدهای غرب، فشار و حتی تهدید ترکیه از سوی روسیه، تلاش برای حل مسالمت‌آمیز بحران و برگزاری نشست ژنو، تشویق دولت سوریه برای همراهی و همکاری با سازمان ملل متحد برای خنثی کردن تهدیدهای نظامی ایالات متحده و هم‌پیمان آن و موارد دیگر، همه نشان از این دارد که حفظ نظام حاکم در سوریه و یا از آن مهم‌تر جلوگیری از عملی شدن یک طرح دیگر مداخله نظامی خارجی از جمله اولویت‌های اصلی روسیه است و به سادگی حاضر به معامله در این زمینه با قدرت‌های غربی خصوصاً ایالات متحده نیستند و یا حداقل هنوز امتیازی را هم‌اندازه و قابل معاوضه با برگ برنده سوریه نمی‌بینند.

در رابطه با ایران هم باید گفت که ایران بحران سوریه را ساختگی و طرحی برای مهار و ضربه زدن به قدرت محور مقاومت ارزیابی می‌داند که به نیابت از آمریکا از سوی عربستان و قطر در حال پیگیری است. به همین خاطر برهم‌زدن موازنه قدرت به سود محور مقاومت در منطقه از جمله طرح‌های ایران برای مهار استراتژی عربستان و آمریکا در منطقه است (سازمند و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۸). با توجه به جایگاه سوریه در ائتلاف سه‌گانه استراتژیک ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان علیه هژمونی آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش، یعنی عربستان، اسرائیل و ترکیه در خاورمیانه، ایران به دنبال حفظ محور مقاومت در منطقه با حمایت از بقای سیاسی اسد است، زیرا در صورت سقوط رژیم اسد و روی کار آمدن مخالفان، در مرحله اول قدرت مانور ایران در منطقه شرق مدیترانه به شدت کاهش پیدا خواهد کرد. سپس با روی کار آمدن رژیمی که متحد استراتژیک عربستان سعودی در منطقه باشد، موازنه منطقه‌ای به نفع عربستان و به ضرر ایران تغییر اساسی خواهد کرد. امری که نتیجه آن افزایش تهدیدات امنیتی ایران در منطقه است (جانسیز، ۱۳۹۳: ۸۹). ایران همچنین هر گونه عملیات مسلحانه در داخل سوریه را رد و از گفت‌وگوهای طرف‌های مختلف سوری حمایت می‌کند و بارها نیز تلاش کرده است تا آن دسته از مخالفان سوری را که مخالف دخالت خارجی در سوریه هستند در تهران گرد هم آورد تا بدین ترتیب به صورت طبیعی در مورد آینده سوریه با نظام حاکم بر این کشور گفتگو کنند. جمهوری اسلامی ایران درهای خود را به روی کشورهای منطقه برای گفتگو جهت یافتن راه‌حلی برای توقف خونریزی‌ها در سوریه و دور کردن دخالت‌های غرب در این کشور باز گذاشته است (نجات، ۱۳۹۳: ۶۵۳-۶۵۲). انجام گفتگوهای سه‌جانبه با حضور ترکیه و روسیه برای یافتن راه‌حلی سیاسی برای بحران سوریه در همین راستا قابل ارزیابی است.

۷- تبیین ناکارآمدی همکاری‌های دو کشور برای ارتقا روابط به سطح استراتژیک

با توجه به آنچه در بخش نظری و مطالب بالا بیان شد، باید اقرار نمود که روابط ایران و روسیه در بهترین حالت و برخلاف آنچه که از سوی مقامات دو طرف استراتژیک تلقی می‌گردد در زمره اتحادهای تاکتیکی قرار می‌گیرد تا اتحادهای استراتژیک، زیرا

هیچ یک از مشخصه‌های یک اتحاد استراتژیک را نداشته و زمینه‌های واگرایی در آن بسیار می‌باشد. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

۱-۷. عدم اولویت روابط با ایران در سیاست خارجی روسیه

با وجود این‌که دو طرف همواره نسبت به توسعه همکاری‌ها ابراز علاقه نموده‌اند؛ اما این رابطه بیش‌تر از سوی ایران دنبال شده است و طرف روس همواره از آن به عنوان برگ برنده برای امتیازگیری از طرف آمریکایی بهره گرفته است، لذا باید گفت روسیه در تنظیم روابط خود با ایران و آمریکا همواره اولویت را به آمریکا داده است و هر کجا احساس نموده که منافع بیش‌تری از جانب روابط با آمریکا برای این کشور حاصل خواهد شد همکاری‌های خود را قطع نموده است. در سال‌های اخیر در گستره روابط تهران و مسکو، چهار رویداد مهم اما چالش‌انگیز روی داده که محدودیت‌های روابط راهبردی دو کشور را برجسته ساخته است: نخست، سیاست روسیه در خصوص پرونده هسته‌ای؛ دوم، تأخیر مکرر در راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر؛ سوم، تأخیر در تحویل سامانه‌های پیشرفته موشکی اس ۳۰۰ و سایر وسایل نظامی پیشرفته به ایران و در نهایت، اشکال‌تراشی روسیه در عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگ‌های (امیدی، ۱۳۹۰: ۴۴).

موضع‌گیری روسیه در زمینه همکاری هسته‌ای با ایران دارای ماهیتی متفاوت بوده است. مسکو از یک‌سو به‌مثابه شریک هسته‌ای ایران ضمن ابراز علاقه به تداوم همکاری‌ها، از موضع ایران حمایت کرده و از طرف دیگر در محافل رسمی و غیررسمی به‌ویژه نشست‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با استناد به تعهدات و مسئولیت‌های بین‌المللی، پای قطعنامه‌های صادره علیه ایران را امضا نموده است. مسکو در تصویب چهار قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت علیه ایران با غرب هم‌راستا بود. به‌علاوه موضوع همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه در سال‌های اخیر به موضوعی برای چانه‌زنی آمریکا و روسیه تبدیل شده است. روس‌ها از طریق مقاومت در برابر تقاضای قطع همکاری هسته‌ای با ایران از سوی آمریکا تلاش می‌کنند تا در وهله نخست، خود را در گردونه معادلات جهانی حفظ کنند و در نوبت بعد در شرایط مقتضی، امتیازاتی از آمریکا اخذ کنند. چنین موقعیتی موجب شده مواضع مسکو مبهم، دوپهلوی و غیرقابل پیش‌بینی ارزیابی شود (جعفری و میرجلالی، ۱۳۹۰: ۴). روس‌ها حتی نسبت به نقض برجام از سوی آمریکا نیز واکنش سازنده‌ای نشان ندادند و تنها به

ذکر این نکته که طرفین باید به تعهدات خود پایبند باشند اکتفا نموده‌اند. این مسائل باعث گردیده تا در دو کشور دید مثبتی نسبت به آینده روابط وجود نداشته باشد و حتی در همکاری‌های امنیتی- نظامی در خصوص سوریه نیز برخی تحلیل‌گران ایرانی بدبین باشند (اردستانی، ۱۳۹۰: ۱)؛ طوری که در داخل ایران برخی جناح‌های سیاسی ترجیح می‌دهند به جای توسعه روابط با روسیه، ایران به سوی اروپا و آمریکا حرکت - نماید. برای این طیف سیاسی روس‌ها نه شریک قابل اعتمادی هستند و نه پیشینه مثبتی در ایران دارند؛ لذا باید از تجربیات تلخ گذشته همچون قرارگرفتن روسیه در جنگ - تحمیلی علیه ایران در کنار دولت عراق، بدعهدی‌ها در تکمیل به موقع نیروگاه هسته‌ای بوشهر، عدم تحویل به موقع سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ و غیره درس گرفت. مشابه این دیدگاه را در روسیه نیز می‌توان یافت. در روسیه نیز غرب‌گرایان ترجیح می‌دهند روسیه به جای نزدیک شدن به دولت‌هایی همچون ایران، کره شمالی، بلاروس و... روابط خود با آمریکا را بهبود بخشد. اولویت نداشتن اتحاد استراتژیک با ایران برای روس‌ها صرفاً به حوزه سیاسی و نظامی محدود نمی‌گردد، حتی در روابط اقتصادی نیز شرایط دو کشور متناسب با سطح اتحاد استراتژیک نیست. حجم روابط اقتصادی ایران و روسیه ۱/۷ میلیارد دلار است که در مقابل حجم روابط ۱۰ میلیارد دلاری با عراق، ۱۵ میلیارد دلاری با امارات متحده عربی و ۴۰ میلیارد دلاری با چین بسیار ناچیز است. به گفته اسدالله عسگر اولادی، رئیس اتاق بازرگانی ایران و روسیه، روس‌ها به جای سرمایه‌گذاری در ایران تمایل به سرمایه‌گذاری ایران در این کشور دارند که نشان از بی‌اعتمادی به آینده روابط اقتصادی با ایران دارد (روزنامه شرق، ۱۶/۱۰/۹۵). یکی از مشکلات زیرساختی در زمینه توسعه روابط اقتصادی- فنی میان دو کشور، فقدان درک صحیح از ظرفیت متقابل است که به‌طور عمده در بخش‌های سیاسی، نظامی و استراتژیک تمرکز پیدا کرده است. هر چند در اسفند ۱۳۸۰/ مارس ۲۰۰۱ در دیدار خاتمی از مسکو قرارداد جامع همکاری دو کشور در بخش‌های مختلف به امضا رسید؛ ولی به دلیل نفوذ تاریخی گرایش‌های غرب‌گرایانه در هر دو کشور امکان بهره‌برداری مناسب از ظرفیت‌های همکاری اقتصادی- فنی دو کشور ایجاد نشده است (کولایی، ۱۳۸۳: ۱۵۱ - ۱۲۱). نگاهی به آمار میزان واردات و صادرات دو کشور عدم همپوشانی اقتصادهای دو کشور و میزان تبادلات پایین آن را برجسته می‌سازد.

واردات کالاهای کشور روسیه در ۲۰۱۳/ ۱۳۹۱ حدود ۳۱۸ میلیارد دلار بوده که ۴/۱۴ میلیارد دلار آن از طریق کشورهای آسیایی تأمین شده است. ایران با صادرات ۴۳۲ میلیون دلاری به روسیه سهم ۳۷ درصدی را از صادرات آسیا به روسیه به خود اختصاص داده است که با توجه به همسایگی مرز آبی ایران و روسیه بسیار ناچیز است. این در حالی است که کشورهایمانند برزیل، مکزیک و اروگوئه با فاصله دور به ترتیب ۳/۴ میلیون دلار، ۳/۱ میلیارد دلار و یک میلیارد دلار کالا به روسیه صادر کرده‌اند. همچنین صادرات ترکیه به روسیه ۲/۷ میلیارد دلار است که بیش از ۱۶ برابر رقم صادرات ایران به روسیه است (بهادرانی، ۱۳۹۳/۷/۳۰). هم‌اکنون ایران با میزان مبادلات تجاری ۱/۷ میلیارد دلاری با روسیه اصولاً شریک تجاری مهمی برای این کشور محسوب نمی‌شود. این رقم زمانی قابل فهم‌تر خواهد بود که آن را با میزان مبادلات تجاری با ترکیه که ۱۴ میلیارد دلار است مقایسه نماییم.

مهم‌ترین چالش‌های موجود در حوزه اقتصادی دو کشور به طور خلاصه عبارتند از: الف) فقدان برنامه‌ریزی دقیق و عملیاتی؛ ب) مشکلات تعرفه‌ای و گمرکی؛ ج) موانع بانکی و نبود بانک‌های مشترک؛ (ساختار بانکی و بیمه‌های روسیه دارای ویژگی‌های مخصوص است که برای فعالیت صادرکنندگان ایرانی مناسب نبوده است و به همین سبب سطح مناسبات تجاری توسعه مورد انتظار را نداشته و موجب به وجود آمدن انحصار در این بازار شده است)؛ د) فقدان حمل‌ونقل مناسب و اختصاصی اعم از مشکلات ترابری هوایی و ناکافی بودن خدمات این بخش در توسعه تجارت، ضعف حمل‌ونقل دریایی، مشکلات ریلی از جمله فرسودگی و قدیمی بودن ناوگان حمل‌ونقل ریلی و فقدان راه زمینی مناسب؛ ن) اجرایی نشدن جایگزینی روبل و ریال به جای دلار و یورو (روبل به‌عنوان پول روسیه با کاهش ارزش مواجه شده و خریداران کالا در این کشور مایل‌اند که با پول خود معامله داشته باشند. گفتنی است که برخی از کارشناسان با جایگزینی روبل و ریال به جای دلار و یورو مخالف‌اند)؛ و) فعال نبودن دفاتر واردات مرزی از جمله در مرز داغستان؛ ه) کمبود زبان‌شناس روسی در کشور؛ ی) و مهم‌تر از همه فقدان شناخت لازم از رسوم دو کشور (مقدم، ۱۳۹۵/۳/۱۷).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نمی‌توان روابط ایران و روسیه را به عنوان متحد استراتژیک در نظر گرفت. در واقع می‌توان گفت که روسیه با اتخاذ سیاست‌های

تاکتیکی و در سایه مغتنم شمردن دوره زمانی و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در نظام آنارشی به شکلی فرصت‌طلبانه در جهت تأمین منافع خود با ایران رفتار می‌کند.

۲-۷. عدم وجود رابطه نهادینه‌شده بین دو دولت و دو ملت

برخلاف آنچه در برقراری اتحاد استراتژیک میان دو کشور انتظار می‌رود روابط بین دو ملت ایران و روسیه نهادینه شده نیست. تعداد اندکی از ایرانیان زبان روسی می‌دانند و یا روسیه را به عنوان مقصد گردشگری و یا محل تحصیل، درمان، پناهندگی، اشتغال و غیره، انتخاب می‌کنند. نام روسیه برای ایرانیان همواره مترادف با قرارداد گلستان و ترکمانچای، قرارداد ۱۹۰۷، اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، عدم همراهی با دولت مصدق و سکوت در برابر کودتای ۲۸ مرداد، حمله به افغانستان، کمک به صدام در طول هشت سال جنگ تحمیلی، تصاحب سهم ایران در دریای خزر، باج‌گیری برای ساخت و تکمیل نیروگاه بوشهر، همراهی با تحریم‌های آمریکا و سازمان ملل ضد ایران و مجموعه‌ای از عهدشکنی‌ها بوده است. این نوع نگاه موجب گردیده تا مسیر همکاری‌های دو ملت هموار نباشد و بعد از گذشت سالیان طولانی هنوز نوعی احساس ترس از استثمار توسط روس‌ها بر ذهن جامعه ایرانی حاکم باشد.

در حالی که در ایران نگاه‌ها به روسیه سیاه و سفید است در روسیه تنوع بیش‌تری درخصوص نگاه به ایران دیده می‌شود به نحوی که می‌توان آن‌ها را در ۵ گروه جای داد. گروه اول، آتلانتیک‌گرایان هستند که کاملاً طرفدار آمریکا هستند و مخالف نزدیکی به ایران مثل کوزیروف؛ گروه دوم، آسیاگرایان هستند که روند دوری از غرب و احیای قدرت و عظمت روسیه را دنبال می‌کنند. این گروه که در بین آن‌ها مدودف و پوتین قرار دارند خواستار نزدیکی به ایران در راستای منافع ملی کشور هستند؛ گروه سوم، دموکرات‌های واقع‌بین هستند که رفتار خود را بر حسب شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با ایران تنظیم می‌کنند. پریماکف جزء آن‌هاست؛ گروه چهارم، تولیدکننده‌ها و بانکدارها هستند که به مسائل سیاسی خیلی توجهی ندارند و از توسعه روابط برای رسیدن به منفعت اقتصادی استقبال می‌کنند. در نهایت گروه اقلیتی قرار دارند که با فرهنگ و تمدن ایران آشنا هستند و از توسعه روابط فرهنگی با ایران استقبال می‌کنند (ملکی، ۱۳۷۹: ۹-۱۰). وجود شرایط فوق‌موجب می‌گردد تا نتوان به راحتی از ارتقای سطح روابط دو طرف به راهبردی در آینده نزدیک سخن گفت و شاید در بهترین حالت این روابط در سطح اتحاد تاکتیکی در حوزه‌های نظامی-امنیتی باقی بماند.

۳-۷. عدم وجود حس همدلی و هم‌دردی ملی بین شهروندان دو کشور

سومین شرط برقراری روابط در سطح اتحاد استراتژیک وجود حس همدلی و هم‌دردی ملی در دو طرف است. امری که به سختی می‌توان مدعی وجود آن در روابط دو کشور ایران و روسیه شد. روس‌ها نه در سختی‌ها و ملالت‌های ایرانیان در هشت سال دفاع-مقدس کنار آن‌ها بوده‌اند و نه در تحریم‌ها با آن‌ها ابراز هم‌دردی نموده‌اند. برای ایرانیان روس‌ها با وجود فروپاشی کمونیسم در این کشور همچنان نماد مقابله با مذهب و اسلام هستند. نماد سرکوب مسلمانان این کشور و حمایت از صرب‌ها در کشتار مسلمانان بوسنی و هرزگوین. انتقادهای تند و صریح امام خمینی (ره) از شوروی و درخواست برای کنار گذاشتن ایدئولوژی کمونیسم نماد بارز این مسأله است. دو طرف نه تنها در ایدئولوژی هیچ اشتراکی با یکدیگر نداشته و ندارند حتی در تضاد کامل قرار دارند تا جائی که هنوز از نظر برخی انقلابیون، شعار «نه شرقی و نه غربی» که تعلق به دوران جنگ سرد داشت، می‌بایست سرلوحه سیاست خارجی ایران قرار گیرد. شاید تنها موردی که ایرانیان را به روس‌ها نزدیک می‌سازد برخی دیدگاه‌های سیاسی آن‌ها همچون مخالفت با سلطه آمریکا بر جهان، حمایت از چندجانبه‌گرایی، مقابله با افراط-گرایی باشد که در ابتدای مقاله شرح داده شد؛ اما این مشابهت‌های فکری برای رسیدن به اتحاد استراتژیک کافی نیست؛ زیرا نمی‌تواند شرط مکمل یعنی اعتماد به یکدیگر را به همراه داشته باشد. ایرانی‌ها هیچ اعتمادی به روس‌ها ندارند و این مسأله را در اظهارنظرهای خود بارها بیان کرده‌اند. آخرین نمونه آن را در سخنان سردار دهقان، وزیر دفاع سابق ایران، می‌توان سراغ گرفت که رفتار روسیه در افشای همکاری نظامی در پایگاه نوژه همدان را «بی‌معرفتی» خطاب کرد.

۴-۷. محدودیت‌های پیش‌روی ایران برای توسعه روابط

روس‌ها به همان میزان که در حوزه‌های نظامی موفق بوده‌اند، در حوزه اقتصادی چندان خوش ندرخشیده‌اند. لذا این کشور نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فنی، تکنولوژیکی و حتی کالاهای مصرفی ایران در زمان‌های تحریم و فشار باشد. فهم این موضوع چندان پیچیده نیست و با مراجعه‌ای به مغازه‌های ایران و کالاهای عرضه شده در آن‌ها و نیز سهم کالاهای روسی در سبد خانوارهای ایرانی می‌توان به آن پی برد. حال آن‌که یکی از شاخصه‌های اصلی وزارت امور خارجه ایران در تنظیم روابط خود با دیگر کشورها میزان پاسخ‌گویی آن‌ها به نیازهای داخلی کشور است. همچنین روسیه همانند ایران

تحت فشار تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارد و نمی‌تواند نیاز اصلی ایران به تأمین سرمایه‌گذاری خارجی در زمان تحریم‌ها را پاسخ گوید. علاوه بر این ارزش روبل روسیه در بازارهای جهانی طی سال‌های اخیر به شدت کاهش پیدا کرده و تاجران تمایل چندانی به مبادله کالا با این ارز ندارند. آن‌ها ترجیح می‌دهند معاملات خود با ایران را با دلار و یورو انجام دهند. لذا نه بانک‌های روسی و نه پول آن‌ها نمی‌تواند گره‌گشایی از مشکلات اقتصادی ایران داشته باشد. گذشته از موارد فوق، هنوز در پس ذهن ایرانیان نوعی ترس از خیانت روسیه وجود دارد. این ترس حتی در بین بدنه نیروهای اجرایی کشور نیز هست. همیشه این نگرانی وجود دارد که روس‌ها ممکن است مثلاً در قضیه سوریه به ایران پشت کند و یا آن را وجه المصلحه روابط خود با دیگر قدرت‌ها سازند. این ترس نوعی تردید و دودلی را به مقامات ایرانی تحمیل می‌کند. به همین خاطر دقیقاً نمی‌دانند تا کی و کجا می‌توانند به وعده‌های کرملین خوشبین باشند. این تردید هرگونه اتخاذ گام جدید برای پیشبرد و توسعه روابط را با مشکل مواجه می‌سازد. به همین خاطر، هرگاه روابط ایران با غرب رو به سردی نهاده روابط ایران و روسیه توسعه یافته و هرگاه فرصت‌هایی برای بهبود روابط با اروپا حاصل گشته روابط با کرملین سردتر گشته است.

نتیجه‌گیری

تحلیل روابط ایران و روسیه از منظر رئالیستی گویای این امر است که روابط دو کشور بر اساس الگوی اتحاد تاکتیکی و نه استراتژیک دنبال شده است. اگر تمایلاتی نیز در برخی مقامات ایرانی برای ارتقای این روابط به سطح استراتژیک وجود داشته باشد چنین تلقی نزد مقامات روسی وجود نداشته و اساساً با شرایط جامعه ایران تناسب ندارد. آنچه دو طرف را طی سال‌های گذشته به یکدیگر نزدیک ساخته، مشکلات اقتصادی، نظامی و امنیتی پیش‌روی دو کشور بوده است. در رأس همه این مشکلات، فشار آمریکا بر روسیه برای فروکاستن آن از سطح قدرت بزرگ، به قدرت منطقه‌ای است. این درحالی است که آمریکا همزمان برنامه تغییر رفتار ایران از راه فشار بیش‌تر بر تهران را دنبال کرده است؛ از این‌رو، تهران و مسکو با درک تهدید دشمن مشترکی چون آمریکا در پی شکل‌گیری اتحاد و نزدیک کردن مواضع خود به یکدیگر برآمده‌اند. ایران و روسیه نگران ناامنی و بی‌ثباتی در مرزهای خود هستند، به‌ویژه این‌که آمریکا

پیوسته از گسترش ناتو به شرق حمایت کرده و از هیچ تلاشی برای بر هم زدن موازنه قدرت در منطقه به ضرر ایران و روسیه چشم پوشی نکرده است. به همین خاطر کوشیده‌اند تا سطح مناسبات خود در بعد نظامی-امنیتی را ارتقا بخشند. همین ارتقای همکاری‌ها باعث گردیده تا این تلقی ایجاد گردد که دو طرف در حال شکل دادن یک اتحاد استراتژیک هستند. حال آنکه با توجه به تحولات تاریخی و ژئواستراتژیک در عرصه بین‌المللی می‌توان دریافت که نگاه مسکو به روابط با تهران شکل فرصت‌طلبانه و عملگرایانه دارد. روس‌ها نشان داده‌اند که برای رسیدن به منافع کلان خود، منافع خرد و جزئی در ایران را نادیده می‌گیرند. روسیه چندان نیاز مبرم و ضروری به ایران ندارد؛ چراکه ایران برای روسیه در بعد امنیتی در رتبه نهم منطقه‌ای قرار دارد و بیشتر برای کسب امتیاز از غرب و حفظ توازن قدرت به ایران نگاه می‌کند. برای روسیه کسب بازار اقتصادی فروش تسلیحات به ایران، همراهی ایران در سیاست‌های نفتی و گازی، مهار متحدین آمریکا در منطقه و تضمین امنیت مرزهای جنوبی این کشور با دوری ایران از آمریکا برای تداوم دادن به این رابطه کفایت می‌کند. گذشته از مسائل فوق، افکار عمومی در ایران چندان نسبت به توسعه روابط با روسیه مساعد نیست. به عبارت دیگر، به همان میزان که واژه انگلیس در ایران یادآور روزهای تلخ و مداخلات این کشور در دوران قاجار است، واژه روسیه نیز دارای بار منفی است. این ذهنیت تاریخی که روس‌ها هرگاه فرصت یافته‌اند یا بخشی از خاک ایران را ضمیمه خود کرده و یا از تجزیه آن حمایت کرده‌اند هنوز در میان بسیاری از شهروندان ایرانی وجود دارد. برای آن‌ها روسیه کنونی یادآور عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای، قرارداد ۱۹۰۷، هتک حرمت بارگاه مقدس امام رضا (ع)، حمایت از استبداد و مخالفت با مشروطه ایرانی، اشغال ایران و غیره است. به همین خاطر حس همدلی میان دو ملت که یکی از اجزاء برقراری اتحاد استراتژیک است در روابط دو ملت ایران و روسیه وجود ندارد. به نظر می‌رسد آنچه که توسعه روابط کنونی بین دو کشور را رقم زده، اراده سیاسی رهبران کنونی دو کشور است و با هرگونه جابجایی نخبگان در دو کشور امکان سردی این روابط وجود دارد. همچنان که وقتی در روسیه غرب‌گرایان و در ایران اصلاح‌طلبان به قدرت می‌رسند، تمایل برای توسعه روابط فی‌مابین رو به کاهش می‌گذارد. همچنین به نظر می‌رسد جنس روابط ایران با روسیه بیشتر از نوع امنیتی-نظامی است تا اقتصادی و فرهنگی. ناگفته پیداست که علت اصلی این امر به تهدیدات دائمی آمریکا علیه ایران و

محدودیت انتخاب ایران برای تهیه مایحتاج نظامی بازمی‌گردد؛ لذا در صورتی که این تهدیدات در اثر هر عاملی پایان یابد و یا اینکه گزینه‌های جذاب‌تر و باصرفه‌تری در اختیار ایران قرارگیرد از گرمی روابط مسکو- تهران کاسته خواهد شد.

فهرست منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی سیاست‌خارجی روسیه در دوران پوتین و مدودف»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۵۴-۹.
- احمدی، حمید؛ خوشبین، ملیحه (۱۳۹۳). «مشروطیت در تهران: زمینه‌ها، فرایندها و سیاست‌های روسیه»، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، سال ۲۴، شماره ۲۱، صص ۳۴-۵.
- اردستانی، بخشایش (۱۳۹۰). «رژه اس - ۳۰۰ در همسایگی ایران»، روزنامه شرق، ۱۳۹۰/۴/۶.
- اردستانی، حسین (۱۳۸۲). روز شمار جنگ؛ تکاپوی جهانی برای توقف جنگ، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- اطاعت، جواد (۱۳۷۶). ژئوپلتیک و سیاست‌خارجی ایران، تهران: نشر سفیر.
- امید، علی (۱۳۹۰). «چالش‌های ساختاری روابط راهبردی ایران و روسیه: سلطه‌ستیزی ایرانی و عمل‌گرایی روسی»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۴، شماره ۸، صص ۶۴-۴۳.
- ایوانویچ، گوشر (۱۳۷۵). «همکاری نظامی زمینه‌ساز روابط ایران و روسیه»، فصلنامه مطالعات مرکزی و قفقاز، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۶۹-۶۱.
- آبادیان، حسین (۱۳۸۵). «انگلستان و روابط ایران و شوروی: ۱۹۱۷-۱۹۲۱»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۲، صص ۱-۱۶.
- باقری دولت‌آبادی، علی؛ شفیعی، محسن (۱۳۹۳). از هاشمی تا روحانی: بررسی سیاست‌خارجی ایران در پرتو نظریه سازه‌انگاری، تهران: تیسرا.
- باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۳). «رویکرد نظری به علت توسعه روابط ایران و روسیه از زمان فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۷، شماره ۱، صص ۳۷-۵۶.

- باقری، یوسف (۱۳۹۶). «رویکرد روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای ج.ا. ایران از منظر نظریه‌های سازه‌انگاری و ژئوپلتیک»، فصلنامه سیاست‌خارجی، سال ۳۱، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۵۶.
- بهادرانی، ابراهیم (۱۳۹۳/۷/۳۰). «مزیت تجاری روسیه»، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۳۲۷، کد خبری 836070، قابل دسترسی در: [www. http:// donya-eghtesad.com/news/836070](http://www.donya-eghtesad.com/news/836070)
- بیگللی، علی؛ سخندان، سهیلا (۱۳۸۷). «بررسی روابط ایران و روسیه در دوران میرزا آقاخان نوری»، فصلنامه علمی پژوهشی مسکو، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۵۹-۸۰.
- تابناک بین‌الملل (۱۳۹۲/۳/۱۶). «پنج نکته‌ای که باید درباره اس-۳۰۰ های روسی بدانیم»، کد خبری ۳۲۴۱۱۷، قابل دسترسی در: [www. http:// tabnak.ir/fa/news/324117](http://www.tabnak.ir/fa/news/324117)
- تزنویو، بیوکارلو (۱۳۵۹). رقابت روس و انگلستان در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جانسیز، احمد؛ بهرامی مقدم، سجاده؛ ستوده، علی (۱۳۹۳). «رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۱، شماره ۱، صص ۹۲-۶۷.
- جعفری، علی‌اکبر، ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۲). «روابط ایران و روسیه، همگرایی یا واگرایی؟»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۶، شماره ۱۲، صص ۲۱-۴۰.
- جعفری، علی‌اکبر؛ میرجلالی، رؤیا (۱۳۹۰). «مؤلفه‌های سیاست‌خارجی همکاری روسیه در همکاری‌های هسته‌ای با ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، ۱۳ سال ۱۳، شماره ۵۱، صص ۱-۳۶.
- خاوری‌نژاد، سپیده (۱۳۹۴). «استراتژی امنیتی روسیه در خاورمیانه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- خبرگزاری مهر (۱۳۹۵/۳/۲۱). «اراده خلل‌ناپذیر ایران؛ روسیه و سوریه مقابله با تروریسم تکفیری است»، کد خبر 3681960، قابل دسترسی در: <http://www.mehrnews.com/news/3681960>
- دهقان‌نژاد، مرتضی؛ محمودآبادی، علی‌اصغر؛ آقازاده، جعفر (۱۳۹۰). «واکاوی آغاز دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۳۷-۵۵.
- دهقانی‌فیروزآبادی، سید جلال؛ مرادی، منوچهر (۱۳۹۴). «آمریکا و روابط جمهوری-اسلامی ایران - فدراسیون روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۱، شماره ۸۹، صص ۹۱-۶۵.

انعکاس مضامین تاریخی اجتماعی در رمان وقت جنگ... | ۶۳

- روزنامه شرق (۱۳۹۵/۱۰/۱۶). «روایت اسدالله عسگراولادی از بهانه‌تراشی روسیه: روس‌ها طیاره «سوخو» را به ما ندادند»، شماره ۲۷۷۱، <http://www.sharehdaily.ir/News/111786>
- سازمند، بهاره؛ حق‌شناس، محمدرضا؛ قنبری، لقمان (۱۳۹۳). «چشم انداز موازنه قدرت در روابط هند - پاکستان در پرتو تحولات اخیر»، فصلنامه سیاست‌خارجی، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۸۱-۴۳.
- سهرابی، محمد (۱۳۹۳). «سیاست‌خارجی روسیه در خاورمیانه»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۱۳-۱۴۴.
- شفیعی، نوز؛ محمودی، زهرا (۱۳۸۶). «رویکرد روسیه؛ پوتین در قبال گسترش ناتو به شرق»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱، شماره ۵، صص ۱۵۰-۱۱۹.
- شوری، محمود (۱۳۸۸). «روسیه، آمریکا و مساله ایران»، فصلنامه راهبرد، دوره ۱۸، شماره ۵۱، صص ۵۹-۷۳.
- عابدی، غفیفه (۱۳۸۸). «سیاست خاورمیانه‌ای روسیه»، تهران، فصلنامه راهبرد، دوره ۱۸، شماره ۵۱، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- عسگرخانی، ابومحمد؛ مرادی، مریم؛ محمدعلی‌پور، فریده (۱۳۸۱). «گسترش ناتو به شرق و پیامدهای امنیتی آن»، مجلس و راهبرد، سال ۱، شماره ۳۵، صص ۲۵-۱.
- عطائی، فرهاد؛ شجاعی، محمدکاظم (۱۳۸۹). «جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل»، دوفصلنامه ایراس، سال ۵، شماره ۶، صص ۶۸-۴۷.
- فارسی‌رو (۲۰۱۵). «وزراء دفاع روسیه و ایران توافقنامه همکاری نظامی امضاء کردند»، <http://farsi.ru/doc/10217.html> ۲۰۱۵/۱/۲۲
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱). اصول روابط بین‌الملل، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- کاظم‌بیگی، محمدعلی (۱۳۹۵). «طرح‌های نظامی و راه‌سازی روسیه تزاری در ایران»، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۲۳، صص ۱۱۹-۱۵۰.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹). «روابط ایران و روسیه در سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸: بسترها، عوامل و محدودیت‌ها»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۳، شماره ۶، صص ۱۳۶-۱۱۱.
- کولایی، الهه (۱۳۸۳). «ایران و روسیه در دوران ریاست‌جمهوری خاتمی»، فصلنامه سیاست‌خارجی، دوره ۱۹، شماره ۱، صص ۱۵۱-۱۲۱.
- کیانی، داوود؛ خانمحمدی، زهره (۱۳۹۲). «واکاوی علل حضور روسیه در بحران سوریه»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۹، صص ۱۱۴-۸۷.
- _____ (۱۳۸۶). «جهت‌گیری سیاست‌خارجی روسیه در برابر ناتو»، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۹، صص ۴۸-۳۳.

- گروسه، رنه (۱۳۵۳). *امپراتوری صحراگردان*، ترجمه عبد الحسین میکده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لنزوسکی، جورج (۱۳۵۳). *رقابت روسیه و غرب در ایران*، ترجمه اسماعیل راین، تهران: انتشارات جاویدان.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۵). *آمریکا هژمونی شکننده و راهبردی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر مرکز تحقیقات.
- متقی، افشین؛ فرجی نصیری، شهریار (۱۳۹۱). «تحلیلی ژئوپلیتیک بر سیاست یک‌جانبه-گرایی ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه از منظر سازه‌انگاری»، *مجله دانش سیاسی و بین‌الملل*، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۰۲-۸۲.
- مجتهدزاده، پیروز؛ رشیدی نژاد، احمد (۱۳۸۹). «تحلیل ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران (۲۰۰۸-۲۰۰۰)»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ۷، شماره ۲، صص ۱-۳۶.
- مرادی، اسدالله؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود (۱۳۹۴). «بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۱۵۲-۱۲۶.
- مزارعی، ایرج (۱۳۸۰). «برخورد منافع روسیه و ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل*، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- مشیرزاده، حمیرا؛ ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹). *تحول مفاهیم روابط بین‌الملل (مجموعه مقالات)*، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۱). «مدیریت بحران در منازعات منطقه‌ای؛ مطالعه موردی جنگ-تحمیلی»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۵، شماره ۱، صص ۴۹-۶۵.
- مقدم، فرشته (۱۳۸۴). «رویکرد سیاست‌خارجی فدراسیون روسیه در خاورمیانه»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال ۱۴، شماره ۵۰، صص ۱۸۴-۱۶۵.
- _____ (۱۳۹۵/۳/۱۷). «موانع و چالش‌های گسترش روابط تجاری ایران و روسیه»، *پایگاه خبرگزاری صدا و سیما*، کد خبری ۱۱۶۳۶۳۸، قابل دسترسی در: www.iribnews.ir/fa/news/1163638.
- ملکی، عباس (۱۳۷۹). «سیر تحول روابط ایران و روسیه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۳، شماره ۹، صص ۱-۱۳.
- منوری، مهدی (۱۳۹۲). «حضور ناتو در منطقه قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر امنیت ایران و روسیه»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای*، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

- مورگنتا، هانس جی (۱۳۸۴). سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، نشر وزارت امور خارجه.
- میرفخرائی، حسن (۱۳۹۲). روسیه و ناتو، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نجات، علی (۱۳۹۳). «راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی درقبال بحران سوریه»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۸(۴)، صص ۶۵۵-۶۳۱.
- یعقوبی، سعید (۱۳۸۷). سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ب) منابع لاتین

- Aras, Bulent & Ozbay Fatih (2008). "The Limits of the Russian-Iranian Strategic Alliance: Its History and Geopolitics and the Nuclear Issue", *The Korean Journal of Defense Analysis*, Vol.20, No.1, https://www.researchgate.net/.../242563265_The_limits_of_the_Russian-Iranian_strategic_alliance_Its_history_and_geopolitics_and_the_nuclear
- Levy, Jack and Michael Barnett (1992). "Alliance Formation, Domestic Political Economy and Third World Security", *Jerusalem Journal of International Relations*, Vol.14, No.4, pp.19-37. Available at: www.citeulike.org/user/Kirsten494/article/6703182
- Buzan, Barry and Ole Waever (2005). *Regions and Powers*, Cambridge: Cambridge University Press,
- Cohen, Ariel, Phillips, James A. (2001/4/5). "Countering Russian Military Cooperation", *Heritage Foundation*, <http://www.heritage.org/research/reports/2001/04>.
- Czechowska, Lucyna (2013). "The Concept of Strategic Partnership as an Input in the Modern Alliance Theory", *The Copernicus Journal of Politics Studies*, Vol.4, No.2, pp 37-51. https://repozytorium.umk.pl/.../The_concept_of_strategic_partnership_as_an_input_in_the_modern_alliance_theory.pdf?..
- De Garmo, Denise (2016). "The U.S.-Israeli Strategic Alliance: How the United States Is Contributing to a "Disappearing" Palestine", *Open Journal of Political Science*, Vol.6, pp.34-43.
- Freedman, Robert.O (2006) "Putin and Iran: A Changing Relationship", *The National Council for Eurasian and East European Research*, 27 March 2006, pp.1-21, https://www.ucis.pitt.edu/nceer/2006_819_11_Freedman.pdf
- Ghez, Jeremy (2011). "Alliances in the 21st Century, Implications for the US-European Partnership", *The Rand Corporation*, Available at: www.rand.org/content/dam/rand/pubs/occasional/..RAND_OP340.pdf
- Ivanov, Belobrov I.S, A.G. Volodin S.V. Demidenko, N.I. Kozyrev; Y.V. Lankin; V.Y. Novikov, V.I. Sazhin, V.I. Yurtaev, (2014). "Modern Russian-Iranian Relations: Challenges and Opportunities", *RIAC*. Moscow: Spetskniga, 64 pages. www.russiancouncil.ru/common/upload/WP14Russia-Iran-En.pdf
- Kassianova, Alla (2006). "Russian Weapons Sales to Iran: Why They Are Unlikely to Stop", *Ponars Policy Memo*, 427, www.ponarseurasia.org/.../russian-weapons-sales-iran-why-they-are-unlikely-stop

- Katz, Mark (No Date). "Russian- Iranian relation in the Putin Era ", *Demokratizatsiya*, P.P 81-69, https://www2.gwu.edu/~ieresgwu/assets/docs/.../10-1_Katz.PDF
- Kozhanov, Nikolay (2012), " Russian Relations with Iran: Dialogue without commitment", Policy Focus 120, *The Washington institute for Near East Policy*, Jun 2012, PP. 1-52
- Polonsky, Michael Jay Et al (2011). "Strategic and Tactical Alliances: Do Environmental Non-Profits Manage them Differently? *Australian Marketing Journal*, No. 19, pp.43-51.
- Sanaei, Mehdi (2007). "Problem and Prospects of Iranian- Russian Relations", *Global Affairs*, Vol. 5, No.3, PP 182-171, www.eng.globalaffairs.ru/number/n_9134
- Smith, Karen (2009). "Construciting Africa (ns) in International Relations theory: bridging a theoretical abyss", *peper presented to the annual meeting of ISA* -Abreact puc-riode janiro, Brazol, Jully 22. https://www.researchgate.net/.../45635352_Constructing_Africans_in_international_relations_theory_bridging_a_theoretical_abys
- Voronova-Abrams, Marina (2010). "Russia's Uneasy Relationship with Iran", *Security and Sustainability Program* ,Global Green USA, March 30, PP.1-10, <https://www.english.globalarabnetwork.com/.../iran-and-russia-uneasy-all>
- Walt, Stephan (1987). *The Orgins of Alliance*, I thaca: Cornell Unirersity Press.

Failure of the Formation of Strategic Alliance between Iran and Russia: Analyzing the Causes

*Ali Bagheri Doulatabadi**

Abstract

In recent years, Iran and Russia have experienced such a dramatic expansion in their relations that even in some analyses this development has been described as moving toward to a strategic alliance. The main question the present descriptive-analytical research concerns is the causes of the failure of forming a strategic alliance between Iran and Russia in spite of military and security developments in their relations. To answer this question, the theory of realism relying on alliances was used. The findings show that the relations between Iran and Russia have been mainly affected by Iran's economic, military, and political needs and there has been no serious intention on the part of Russia to enhance ties to form a strategic alliance with Iran. Furthermore, Iran has never been a security priority in Russian foreign policy and no institutionalized relation, which is essential for such an alliance, has been established between the two governments and the two nations. On the contrary, their political relations have deepened the gap between the two nations, fueling a sense of distrust among Iranians of the Russians.

Keywords: strategic alliance, Iran, Russia, convergence, military relations.

* Associate Professor of International Relations and Faculty Member of the Department of Political Science, Yasouj University; Email: abagheri@yu.ac.ir
| Received: June 12, 2018; Accepted: November 23, 2018|